

بررسی ماهیت صدق و عوامل پشت کردن به دشمن در میدان مبارزه

بسم الله الرحمن الرحيم

صدق فاطمی، بررسی ماهیت صدق و عوامل پشت کردن به دشمن در میدان مبارزه

به کوشش: موسسه فرهنگی هنری راه فخرالائمه علیها السلام
ویرایش: رسول حمیدی
طرح جلد وصفحه‌آرایی: علی ناصری
چاپ اول: بهار ۱۳۹۳
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۸۰۰ تومان

قرآن روایت رهبر معظم انقلاب (دام‌ظله‌العالی)

موسسه فرهنگی راه فخرائمه علیها السلام
نشانی: قم. خیابان ایستگاه. کوی بوعلی. کوچه۱۲. پلاک۵
تلفن: ۱۷ ۴۱ ۷۰ ۳۶ ـ ۰۲۵ ❋ ۰۰ ۶۹ ۷۵۹ ۰۹۱۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www. fakhrolaemeh.ir

جامعه ایمانی مشعر
نشانی: قم، بلوارامین،کوچه۱۰،پلاک۲۰ **کدپستی:** ۳۷۱۵۱ ـ ۳۷۱۶۶
تلفکس: ۵۱ ۸۹ ۹۲ ۳۲ ـ ۰۲۵ **سامانه پیامک:** ۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.ir **رایانامه:** mag@۱۵۴۲.ir


لبیک یا امام
صدیقه فاطمه

مقدمه

حماسه ماندگار حضرت صدیقه طاهره، زهرای اطهر﵄ نقش بی‌بدیل و عظیم، هم در حفظ اصل نظام توحیدی اسلام و هم در حفظ مکتب تابناک امامت و ولایت و اثبات حقانیت این طریق مستقیم و صراط مستحکم شیعی داشته و دارد.

بی‌شک کوثر این چشمه همیشه فیاض الهی، در هر زمان درس‌ها و آموزه‌های بهنگام و حیات‌بخش دارد ودر جایی که ولی‌الله الاعظم(ارواحناه فداه) بانوی دو عالم را الگو واسوه خویش می‌نامند، بازنگری محورهای اساسی این حماسه ماندگار و مظلومیت مقتدرانه، از ضروریات جبهه حق در این زمانه به شمار می‌رود.

بصیرت عمارگونه واستقامتی مالک اشتروار ایجاب می‌کند تا این اصل اساسی ـ یعنی صدق و پایداری در مبارزه با باطل، کفر جهانی و نظام استکبار- از دل تاریخ حقه شیعه و سیره صدیقه شهیده واکاوی گردد. چه اینکه ایشان مظهر تام و اتم صدق در عصر رسول مکرم اسلامﷺ وامیرالمومنین﵇ بوده‌اند.

با نظر به تأکید امام مسلمین رهبر معظم انقلاب (دام‌ظله‌العالی) در محرم امسال مبنی بر تأسی به «عزت و صدق» پرورش یافته دامان صدیقه کبری﵄ ـ یعنی حضرت زینب﵄ ـ واز آنجایی که معظم له تعمیق باورهای ایمانی و سیاسی دین مبین اسلام را یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های هیئات مذهبی واجتماعات فرهنگیِ جبهه انقلاب می‌دانند، این مهم در بخشی از حیات و مجاهده حضرت زهرا﵄ بررسی می‌گردد.

امید آنکه این مختصر آغازی گردد برای تلاش گسترده اهل اندیشه و ایمان در جبهه حق یعنی نخبگان حوزوی و دانشگاهی نسل نو تا ارادتمندان اهل‌بیت عصمت و طهارت﵈ را از سرچشمه زلال معارف حقه آل الله سیراب گردانند.
در خاتمه از آنجایی که این مجموعه در کوتاه‌مدت با تعجیل تهیه شـــده، چنانچه ما را از نقطه نظرات اصلاحی و تکمیلی خویش بهره‌مندمان سازید، قرین امتنان نموده‌اید.

باتقدیر و سپاس از اهتمام کریمانه‌تان
احمد پناهیان
مدیر موسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمه﵈

چرا صدق فاطمی؟

۲۹ آبان امسال، در جمع فرماندهان بسیج، رهبر معظم انقلاب(دام‌ظله‌العالی) به موضوع «صدق در عهد و پیمان الهی» پرداختند و اهمیت آن را گوشزد کردند:

> صادقانه با پیمـــان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن؛ این خیلی مهم است.... از من و شما هم سؤال می‌کنند دربارهٔ وعده و عهدی که با خدا کردیم؛ ما با خدا معاهده داریم.[۱]

ایشان در ادامه تشریح کردند که منظور از عهد الهی، «عهد در پشت نکردن به دشمن» در میدان مبارزه است:

> «و لَقَد کانوا عاهَدُوا اللهَ مِن قَبلُ لایُوَلّونَ الاَدبار[۲]»؛ رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منهزمانه در مواجههٔ با دشمن، از جمله چیزهایی است کـــه قرآن تأکید می‌کند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنهٔ زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز

۱. بیانات مقام معظم رهبری(دام‌ظله‌العالی) در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.
۲. احزاب، آیهٔ ۱۵.

بشـــود، باید ارادهٔ شما بر ارادهٔ دشـــمن غالب بشود؛ و می‌شود و این ممکن است. در عرصهٔ هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است.

سپس نگرانی خویش را از وقوع این اتفاق (رها کردن مبارزه و پشت کردن به دشمن) در جامعه امروزی ابراز کردند و فرمودند:

مـــا تعبیر «نرمش قهرمانانه» را بـــه کار بردیم؛ یک عدّه‌ای آن را به معنی دســـت برداشـــتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشـــمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اســـلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متّهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است.

حضرت امام(دام‌ظله‌العالی) مصداق پشت نکردن به دشمن را خصومت، مبارزه و عدم‌سازش با نظام سلطه و استکبار و پرچمدار آن در این زمان یعنی دولت مستکبر امریکا بیان کردند:

آنچه نقطهٔ مقابل نظام اســـلامی است، اســـتکبار است. جهت‌گیری خصومت‌های نظام اســـلامی، با نظام استکبار اســـت؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم. استکبار یک واژهٔ قرآنی است کـــه در قرآن دربارهٔ امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حقّ و حقیقت به‌کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد... امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متّحدهٔ آمریکا است.

ذکر این نکته در اینجا ضروری است که متاسفانه بسیاری از خواص و نیروهای متعهد و انقلابی، در ایام سفر رئیس جمهور به نیویورک، به دامی که عناصر سست‌ایمان داخلی پهن کرده بودند، گرفتار شده و تعبیر «نرمش قهرمانانه» ی رهبر معظم انقلاب(دام‌ظله‌العالی) را به «صلح حدیبیه» تفسیر

کردند و اعلام کردند که الان زمان مذاکره با امریکاست.
حضرتشان در نهایت تنها راه‌حل برون‌رفت از مشکلات کنونی جامعه را حفظ عزت و ایستادگی ملت عنوان کردند و فرمودند:

> تنها عامل برطرف کردن مزاحمت دشمن عبارت است از اقتدار ملّت و ایســـتادگی ملّت؛ این تنها عاملی است که می‌تواند دشمن را عقب بزند.[۱]

از همین‌رو و در راســـتای تبیین فرامین معظم‌له، تصمیم گرفته شـــد تا نگاهی گذرا به مباحث مربوط به «عهد الهی» و مصداق بارز آن یعنی «پشت نکردن به دشمن و تنها نگذاشتن ولی خدا در میدان مبارزه» داشته و از دیدگاه آیات، روایات و بیانات رهبر معظم انقلاب(دام‌ظله‌العالی) آن را مورد بررسی قرار دهیم.
در پایـــان تذکر این نکته نیز لازم اســـت که این جزوه در جهت کمـــک و همیاری با مبلغان و سخنرانان محترم تنظیم شده است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب(دام‌ظله‌العالی) در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

۱. جایگاه و اهمیت صداقت در عهد و پیمان الهی

۱-۱. پاسخ‌گویی انبیاء نسبت به عهد الهی

صادقانه با پیمان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن؛ این خیلی مهم است. در قرآن کریم این صدق را، هم برای انبیاء عظام الهی لازم می‌شمرد: «وَ اِذ اَخَذنا مِنَ النَّبِیّینَ میثاقَهُم وَ مِنكَ وَ مِن نوحٍ وَ اِبرهیمَ وَ موسی وَ عیسی ابنِ مَریَمَ وَ اَخَذنا مِنهُم میثاقاً غَلیظاً، لِیَسأَلَ الصّادِقینَ عَن صِدقِهِم»؛[۱] ای پیامبر ما از تو پیمان گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پیمان گرفتیم، از همهٔ پیغمبران پیمان گرفتیم و این پیمان، پیمان بسیار محکم و غلیظی است. در لِیسأَل، «لام» به تعبیر ما طلبه‌ها «لام» عاقبت است و نتیجهٔ این پیمان این است که این پیغمبران بزرگ مورد سؤال قرار می‌گیرند از صدقی که در قبال این پیمان نشان دادند و به‌خرج دادند؛ یعنی پیغمبر ما و پیغمبران بزرگ الهی باید در پیشگاه پروردگار عَرضه کنند میزانِ صداقتی را که در مقام اِعمال این میثاق الهی به کار بردند؛ این مال پیغمبران... در مورد پیغمبرانِ بزرگ، نقطهٔ مقابل صادق را کافر قرار داد: «و اَعَدَّ لِلکافِرینَ عذاباً اَلیما[۲]».[۳]

۱. سوره احزاب، آیه ۷ و بخشی از آیه ۸ .
۲. سوره احزاب، بخشی از آیه ۸ .
۳. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

۱-۲. پاسخ‌گویی مؤمنان نسبت به عهد الهی

«وَ لا تَكُونُوا كَالَّتي نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكاثاً تَتَّخِذُونَ أَيْمانَكُمْ دَخَلاً بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّما يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ ما كُنْتُمْ فيهِ تَخْتَلِفُونَ».[۱]

در مورد مردم معمولی و مؤمنین [هم می‌فرماید]: «مِنَ المُؤمِنينَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَيهِ فَمِنهُم مَّن قَضى نَحبَهُ وَ مِنهُم مَن يَنتَظِر وَ ما بَدَّلُوا تَبديلاً، لِيَجزِيَ اللهُ الصّادِقينَ بِصِدقِهِم و يُعَذِّبَ المُنافِقينَ»[۲]... در مورد این مؤمنین، نقطهٔ مقابل صادقین را منافقین قرار داد، که در اینها نکته‌هایی هست.

از من و شما هم سؤال می‌کنند دربارهٔ وعده و عهدی که با خدا کردیم؛ ما با خدا معاهده داریم.[۳]

۱. نحل، آیهٔ ۹۲.

۲. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۳ و بخشی از آیه‌ی ۲۴.

۳. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

۲. عهد الهی در پشت نکردن به دشمن و تنها نگذاشتن ولی خدا

«وَ لَقَدْ كانُوا عاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لا يُوَلُّونَ الْأَدْبارَ وَ كانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْؤُولاً».[۱]

امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ وَ فِيكُمُ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ وَ التَّابِعُونَ بِإِحْسَانٍ فَأَخَذْتُ عَلَيْكُمْ عَهْدَ بَيْعَتِي وَ وَاجِبَ صَفْقَتِي عَهْدَ اللَّهِ وَ مِيثَاقَهُ وَ أَشَدَّ مَا أُخِذَ عَلَى النَّبِيِّينَ مِنْ عَهْدٍ وَ مِيثَاقٍ لَتَفُنَّ لِي وَ لَتَسْمَعُنَّ لِأَمْرِي وَ لَتُطِيعُونَنِي وَ تُنَاصِحُونَنِي وَ تُقَاتِلُونَ مَعِي كُلَّ بَاغٍ عَلَيَّ أَوْ مَارِقٍ إِنْ مَرَقَ فَأَنْعَمْتُمْ لِي بِذَلِكَ جَمِيعاً فَأَخَذْتُ عَلَيْكُمْ عَهْدَ اللَّهِ وَ مِيثَاقَهُ وَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَ ذِمَّةَ رَسُولِهِ فَأَجَبْتُمُونِي إِلَى ذَلِكَ وَ أَشْهَدْتُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَ أَشْهَدْتُ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ.[۲]

مهاجـــر و انصار و پیروان نیکوکار بودند، پس من پیمان بیعت خود را و آنچه در آن واجب بود از شما بر گرفته و آنچه از عهد و پیمان خداوند و سخت‌ترین پیمان و عهد پیمبران الهی بود از شما گرفتم که با من وفاداری کنید و دستور مرا بشنوید و پیروی کنید و در باره من خیراندیشی نموده

۱. احزاب، آیة ۱۵.

۲. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج۱، ص: ۲۶۰ من كلامه علیه‌السلام لما عمل على المسير إلى الشام لقتال معاويه بن أبي سفيان

در همراهی من با هر ستمکار و دشمنی با هر که از دین بیرون رود بجنگید، و شما همه اینها را پذیرفتید، پس من پیمان خدا و عهد او و ذمّه خداوند و رسولش را در این‌باره از شما گرفتم و شما آن را پذیرفتید و خدا را بر شما گواه گرفتم، و برخی از خودتان را شاهد بعضی دیگر قرار دادم.

يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ جَمَاعَةَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي أَمَا أَوْجَبْتُمْ لِي عَلَى أَنْفُسِكُمُ الطَّاعَةَ؟ أَمَا بَايَعْتُمُونِي عَلَى الرَّغْبَةِ؟ أَمَا أَخَذْتُ عَلَيْكُمُ الْعَهْدَ بِالْقَبُولِ لِقَوْلِي؟ أَمَا كَانَتْ بَيْعَتِي لَكُمْ يَوْمَئِذٍ أَوْكَدَ مِنْ بَيْعَةِ أَبِي‌بَكْرٍ وَ عُمَرَ فَمَا بَالُ مَنْ خَالَفَنِي لَمْ يَنْقُضْ عَلَيْهِمَا حَتَّى مَضَيَا وَ نَقَضَ عَلَيَّ وَ لَمْ يَفِ لِي؟ أَمَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ نُصْحِي وَ يَلْزَمُكُمْ أَمْرِي؟ أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ بَيْعَتِي تَلْزَمُ الشَّاهِدَ مِنْكُمْ وَ الْغَائِبَ فَمَا بَالُ مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابِهِ طَاعِنِينَ فِي بَيْعَتِي وَ لِمَ لَمْ‌يَفُوا بِهَا لِي وَ أَنَا فِي قَرَابَتِي وَ سَابِقَتِي وَ صِهْرِي أَوْلَى بِالْأَمْرِ مِمَّنْ تَقَدَّمَنِي. أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِa يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي وَلَايَتِي وَ مُوَالَاتِي فَاتَّقُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ وَ تَحَاثُّوا عَلَى جِهَادِ مُعَاوِيَةَ الْقَاسِطِ النَّاكِثِ وَ أَصْحَابِهِ الْقَاسِطِينَ اسْمَعُوا مَا أَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّهِ الْمُرْسَلِ لِتَتَّعِظُوا فَإِنَّهُ وَ اللَّهِ عِظَةٌ لَكُمْ فَانْتَفِعُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ وَ ازْدَجِرُوا عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَقَدْ وَعَظَكُمُ اللَّهُ بِغَيْرِكُمْ فَقَالَ لِنَبِيِّهِa «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسى إِذْ قالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنا مَلِكاً نُقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتالُ أَلَّا تُقاتِلُوا قالُوا وَ ما لَنا أَلَّا نُقاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنا مِنْ دِيارِنا وَ أَبْنائِنا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ وَ قالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طالُوتَ مَلِكاً قالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمالِ قالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاهُ عَلَيْكُمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ» أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لَكُمْ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ عِبْرَةً لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْخِلَافَةَ وَ الْإِمْرَةَ مِنْ بَعْدِ الْأَنْبِيَاءِ فِي أَعْقَابِهِمْ وَ أَنَّهُ فَضَّلَ طَالُوتَ وَ قَدَّمَهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ بِاصْطِفَائِهِ إِيَّاهُ وَ زِيَادَتِهِ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ فَهَلْ تَجِدُونَ اللَّهَ اصْطَفَى بَنِي أُمَيَّةَ عَلَى بَنِي‌هَاشِمٍ وَ زَادَ مُعَاوِيَةَ عَلَيَّ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَنَالَكُمْ سَخَطُهُ بِعِصْيَانِكُمْ لَهُ؛ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

بَنِی إِسْرائِیلَ عَلی لِسـانِ داوُدَ وَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ کانُوا لا یَتَناهَوْنَ عَنْ مُنکَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما کانُوا یَفْعَلُونَ؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلی تِجارَةٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذابٍ أَلِیمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَ یُدْخِلْکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ وَ مَساکِنَ طَیِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ تَحَاثُّوا عَلَی الْجِهَادِ مَعَ إِمَامِکُمْ فَلَوْ کَانَ لِی مِنْکُمْ عِصَابَةٌ بِعَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ إِذَا أَمَرْتُهُمْ أَطَاعُونِی وَ إِذَا اسْـتَنْهَضْتُهُمْ نَهَضُوا مَعِی لَاسْتَغْنَیْتُ بِهِمْ عَنْ کَثِیرٍ مِنْکُمْ وَ أَسْرَعْتُ النُّهُوضَ إِلَی حَرْبِ مُعَاوِیَةَ وَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّهُ الْجِهَادُ الْمَفْرُوض.[۱]

ای جماعت مهاجرین و انصار و کسانی که سخن من را می‌شنود! آیا شما پیروی مرا بر خود واجب نساختید؟ آیا از روی میل و رغبت با من بیعت نکردید؟ مگر من بر شما پیمان پذیرش سخن خود را نگرفتم؟ مگر بیعت من با شما در آن روز محکمتر از بیعت با ابوبکر و عمر نبود؟

پـــس چرا آنکه با من مخالفـــت می‌کند تا وقتی که آن دو فوت نکردند بیعـــت خود را با آن دو نشکســـت؛ اکنون بیعت مرا می‌شکند و پایداری در بیعت خود نمی‌کند؟ مگر بر همه مسلمانان فرض نیســـت که با نهایت حرارت و صمیمیّت مرا یاری و مســـاعدت کرده و اوامر مرا امتثال و اطاعت کنند؟ آیا اطاعت من بر همه مســـلمین از حاضر و غایب واجب نیســـت؟ پس برای چه معاویه‌بن‌ابی‌سفیان و اصحاب او به مخالفت و دشمنی من پرداخته و از بیعت سر باز زدند؟! مگر من از لحاظ قرابت با پیامبر، و سبقت در ایمان، و دامادی رسول خدا بر گذشتگان برتری نداشتم؟ مگر شما در روز غدیر خمّ سخنان پیامبرﷺ را درباره ولایت و محبّت من استماع نکردید؟

پس ای مسلمانان، رعایت تقوای الهی نموده و به جنگ با معاویه ظالم عهدشکن و یاران ستمکارش بشـــتابید! همگی به این آیه که خداوند بر پیامبرش نازل فرموده گوش فرا دهید تا پند گیرید، زیرا آن به خدا ســـوگند که بهترین موعظه برای شما می‌باشد، پس از مواعظ الهی پند گرفته و

۱. (الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج۱، ص ۲۶۰)؛ من كلامه ع لما عمل على المسير إلى الشام لقتال معاويه‌بن أبي‌سفيان.

از معصیت دوری کنید، زیرا خداوند شما را بجز خودتان [توسّط داستان‌های گذشتگان] شما را اندرز داده؛ به پیغمبرش فرموده: «آیا ننگریســـتی به آن گروه از فرزندان اسرائیل پس از موسی که به پیامبر خود گفتند: برای ما پادشاهی برانگیز تا در راه خدا کارزار کنیم؟ گفت: آیا احتمال می‌دهید که اگر کارزار بر شما نوشته شود کارزار نکنید؟
گفتند: ما را چیســـت کـــه در راه خدا کارزار نکنیم و حال آنکه از خانمـــان و فرزندانمان بیرون رانده‌شـــده‌ایم؟ و چون کارزار بر آنان نوشته شد جز اندکی پشت کردند، و خداوند به ستمکاران داناست. و پیامبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد و ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و او را گشایشی از مال نداده‌اند. گفت: خدا او را بر شـــما برگزیده اســـت و در دانش و تن فزونی و فراخی داده است، و خداوند پادشاهی خود را به هر که خواهد دهد و خدا فراخی‌بخش و داناست».
ای مردم، برای شما در این آیات عبرت و پندی است تا دریابید که خداوند خلافت و امارت پس از پیامبران را در بازماندگان آنان نهاده، و اینکه «طالوت» را بر مردمان تفضیل داده و پیش انداخته و فزونی در دانش و پیکر او داده، پس آیا هیچ می‌یابید که خداوند بنی‌امیّه را بر بنی‌هاشم برگزیده و معاویه را بر من در دانش و پیکر فزونی داده باشد؟ پس ای بندگان خدا رعایت تقوای الهی را نموده و پیش از آنکه به واســـطه معصیت شـــما سخط خود را متوجّهتان سازد در راه او تلاش و کوشش نمایید، خداوند سبحان فرماید: «کسانی از فرزندان اسرائیل که کافر شدند، بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند، این از آن‌رو بود که نافرمانی کردند و از اندازه در می‌گذشتند.
یک دیگر را از کار ناروا و زشـــتی که می‌کردند باز نمی‌داشتند؛ هرآینه بد است آنچه می‌کردند» «جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده‌اند و سپس شکّ نکرده‌اند، و با مال‌ها و جان‌های خویش در راه خدا جهاد کرده‌اند، ایشانند راستگویان»، و نیز فرموده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر آن تجارتی راه نمایم که شما را از عذاب دردناک برهاند؟ بـــه خدا و پیامبر او ایمان آورید، و در راه خدا با مال‌ها و جان‌های خویش جهاد کنید، این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید.
تا گناهانتان را بیامرزد و شـــما را به بهشـــت‌هایی که از زیر آن‌ها جوی‌ها روان است و خانه‌هایی

خوش در بهشـــت‌هایی پاینده در آرد؛ این اســـت رســـتگاری و کامیابی بزرگ» ای بندگان خدا پرهیزکار باشید و همراه پیشوا و امام خود به سوی جهاد بشتابید.
و اگر با من جماعتی به عدد اهل بدر بودند که به محض امر اطاعت می‌شدم و به محض حرکت به همراه من حرکت می‌نمودند حتما از شما بی‌نیاز شده، و هرچه سریعتر به جنگ و جهاد معاویه می‌شتافتم. زیرا این جهاد فرض و واجب است.

در این آیهٔ شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنينَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدوا الله عَلَيهِ» این عهدی که می‌گوید مؤمنین با خدا بســـته‌اند و بعضی از مؤمنین به این عهد به‌نیکی وفا کردند و پای این عهدشان ثابت‌قدم ماندند، همان است که چند آیه قبل در همین سورهٔ مبارکه می‌فرماید که «و لَقَد كانوا عاهَدُوا اللهَ مِن قَبلُ لا يُوَلّونَ الاَدبار»؛[1] همهٔ ما به این نکات باید توجّه کنیم. با خدای متعال عهد کرده بودند که از مقابل دشمن فرار نکنند، به دشمن پشت نکنند. رها کردن مواضع و عقب‌نشینیِ منهزمانه در مواجههٔ با دشـــمن، از جملهٔ چیزهایی است که قرآن تأکید می‌کند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاســـی و در جنگ اقتصادی، در هرجایی که صحنهٔ زورآزمایی است، در مقابل دشـــمن باید ایستاد؛ باید عزم شـــما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید ارادهٔ شما بر ارادهٔ دشمن غالب بشود؛ و می‌شود و این ممکن است. در عرصهٔ هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است.[2]

۲-۱. عواقب پشت کردن به دشمن و فرار از میدان مبارزه

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعليه‌السلام كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ... حَرَّمَ اللَّهُ الْفِرَارَ مِنَ الزَّحْفِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْوَهْنِ فِي الدِّينِ وَ الِاسْتِخْفَافِ بِالرُّسُلِ وَ الْأَئِمَّةِ الْعَادِلَةِ وَ تَرْكِ نُصْرَتِهِمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ

۱. سوره احزاب، بخشی از آیه ۱۵.
۲. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

وَ الْعُقُوبَةِ لَهُمْ عَلَى إِنْكَارِ مَا دُعُوا إِلَيْهِ مِنَ الْإِقْرَارِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ إِظْهَارِ الْعَدْلِ وَ تَرْكِ الْجَوْرِ وَ إِمَاتَتِهِ وَ الْفَسَادِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ جُرْأَةِ الْعَدُوِّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ مَا يَكُونُ فِي ذَلِكَ مِنَ السَّبْيِ وَ الْقَتْلِ وَ إِبْطَالِ حَقِّ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْفَسَادِ.[1]

خداوند حرام فرموده فرار از میدان نبرد با مهاجم را از این جهت که سستی در دیانت پدید می‌آورد، و به جهت کوچک شمردن و کم‌ارزش دانستن و بی‌اهمیّت انگاشتن امر پیامبران خدا و سروران الهی و امامان عادل، و یاری نکردن آنان در مقابل دشمنانشان و موجب کیفر است؛ زیرا که آن انکار دعوت به اقرار به خداپرستی و آشکار نمودن عدالت اجتماعی و برکنار کردن جور و ظلم، و از میان بردن فساد و تباهی، و آنچه در آن از تجرّی دشمن و جسارتش بر مسلمانان، و آنچه در پی دارد از اسارت و کشتار مردم بی‌گناه و از میان بردن دین و آیین خداوند عزّوجلّ و موارد دیگر از فساد و ناامنی که در آن است.

وَ لْيَعْلَمِ الْمُنْهَزِمُ بِأَنَّهُ مُسْخِطُ رَبِّهِ وَ مُوبِقُ نَفْسِهِ إِنَّ فِي الْفِرَارِ مَوْجِدَةَ اللَّهِ وَ الذُّلَّ اللَّازِمَ وَ الْعَارَ الْبَاقِيَ وَ فَسَادَ الْعَيْشِ عَلَيْهِ وَ إِنَّ الْفَارَّ لَغَيْرُ مَزِيدٍ فِي عُمُرِهِ وَ لَا مَحْجُوزٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ يَوْمِهِ وَ لَا يَرْضَى رَبُّهُ وَ لَمَوْتُ الرَّجُلِ مَحْقاً قَبْلَ إِتْيَانِ هَذِهِ الْخِصَالِ خَيْرٌ مِنَ الرِّضَا بِالتَّلَبُّسِ بِهَا وَ الْإِقْرَارِ عَلَيْهَا.[2]

امام علی(ع) هرکه به شکست تن دهد و از صحنهٔ نبرد بگریزد، باید بداند خشم خدا را برانگیخته و خود را تباه کرده است! گریختن از میدان جنگ، برانگیزانندهٔ غضب الهی و دچار شدن به ننگ همیشگی و سیه‌روزی، و تباه شدن (باقی‌ماندهٔ) زندگی است.

آن که می‌گریزد نه بر عمرش افزوده می‌شود، و نه اسباب خشنودی خدای خود را فراهم می‌کند؛ پس فرا رسیدن مرگ مَرد، در حالی که حق با او باشد، پیش از دچار گردیدن به این صفات، بسی گواراتر از رضا دادن به پوشیدنِ جامهٔ ننگ و رسوایی و شادکامی در آن است!

۱. من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص: ۵۶۵

۲. کافی، ج۵، ص: ۴۰

۳. سنت الهی؛ در ایجاد موانع در مسیر حرکت جبهه حق

«وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمينَ».[۱]

[ایجاد موانع توسط دشمنان] جزو سنت‌های الهی است. وجود این موانع تصادفی نیست. این‌ها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است، و الّا جهاد معنا نمی‌داشت: «وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَياطينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحي بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً[۲]»؛ در همهٔ دعوت‌های انبیا، دشمنان- موانع- از جن و انس وجود داشتند. در آیهٔ دیگر: «وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكابِرَ مُجْرِميها لِيَمْكُرُوا فيها وَ ما يَمْكُرُونَ إِلاَّ بِأَنْفُسِهِمْ[۳]». در درون جوامع، طبقاتی که وجود آن‌ها مایهٔ فساد، مایهٔ مکر بوده است؛ این‌ها جزو سنت‌هاست.

یعنی هرگز انبیاء نگفتند ما آن‌وقتی که جاده صاف است وارد میدان می‌شویم؛ نه، در همین فضا و صحنهٔ به‌شدت درگیر و دشوار، آن‌ها وارد شدند؛ مثل جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی.[۴]

۱. فرقان، آیهٔ ۳۱.
۲. الأنعام: ۱۱۲.
۳. أنعام: ۱۲۳.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/ ۰۲/ ۱۳۸۷.

۴. برخورد مؤمنان و منافقان در مواجهه با موانع (دشمنان)

٤-١. برخورد منافقان

«سَيَقُولُ لَکَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرابِ شَغَلَتْنا أَمْوالُنا وَ أَهْلُونا فَاسْتَغْفِرْ لَنا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ ما لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِکُ لَکُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرادَ بِکُمْ ضَرًّا أَوْ أَرادَ بِکُمْ نَفْعاً بَلْ کانَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرا».[۱]

«وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَ لا تَفْتِنِّي أَلا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ الْكافِرِينَ».[۲]

«وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَ ما هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِراراً».[۳]

وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، ثقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آنجا مردم دو دسته شدند؛ مؤمنین

۱. فتح، آیة ۱۱
۲. توبه، آیه ۴۹
۳. احزاب، آیة ۱۳

یک‌طور، غیرمؤمنین و کسانی که «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»[1] بود، یک طور دیگر.
آن‌هایی که در دلشان مرض بود می‌گفتند: «ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلاَّ غُرُوراً»[2]؛
ما فریب خوردیم؛ اســـلام نتوانست به ما عزّت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مؤمنین را محاصره کرده بودند. این حزب‌ها و گروه‌های دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه دست به دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند.[3]

در جنـــگ احـــزاب، از همه طرف حمله کردند. در جنگ بدر یک گروه بودند، در جنگ احد یک گروه بودند، در جنگ‌های دیگر قبائلِ کوچک بودند؛ اما در جنگ احزاب، همهٔ قبائل مشرک مکه و غیر مکه و ثقیف و غیره آمدند متحد شدند؛ ده‌هزار نفر نیروی رزمنده فراهم کردند؛ یهودی‌هایی هم که همسایهٔ پیغمبر بودند و امان‌یافتهٔ پیغمبر بودند، خیانت کردند؛ این‌ها هم با آن‌ها همکاری کردند. اگر بخواهیم این را با امروز مقایســـه کنیـــم، یعنی آمریکا با آن‌ها مخالفت کرد، انگلیس مخالفت کرد، رژیم صهیونیستی مخالفت کرد، فلان رژیم مرتجع نفتخوار مخالفت کرد.
پول‌هاشـــان را خرج کردند، نیروهاشـــان را جمع کردند، یک جَنگ احزاب درست کردند؛ جنگ احزابـــی که دل‌ها را خیلی ترســـاند... منافـــق، ضعیف‌الایمان، فی قلوبهم مـــرض - که طوائف گوناگونی‌اند - وقتی دشـــمن را می‌بینند، تنشان مثل بید می‌لرزد؛ بنا می‌کنند به مؤمنین‌باللّه و زحمتکشان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: آقا چرا اینجوری می‌کنید؟ چرا کوتاه نمی‌آیید؟ چرا سیاســـتتان را این‌جوری نمی‌کنید؟ همان کاری که دشمن می‌خواهد، انجام می‌دهند.[4]

۱. أحزاب: ۱۲.
۲. أحزاب: ۱۲ .
۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴.
۴. بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

٤-٢. برخورد مؤمنان

«لا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجاهِدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ اللّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ».[١]

اما مؤمنین می‌گفتند: «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»؛ ما تعجّب نمی‌کنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعدهٔ خدا و پیامبر این است که «الَّذينَ آمَنُوا يُقاتِلُونَ في سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ كَفَرُوا يُقاتِلُونَ في سَبيلِ الطَّاغُوتِ»[٢].

شـــما که مؤمنید، در راه خدا مبارزه می‌کنید. آن‌هایی که با خدا میانه‌ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه می‌کنند. آری؛ آن‌ها هم مبارزه می‌کنند؛ ولی «فَقاتِلُوا أَوْلِياءَ الشَّيْطانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعيفاً»[٣].

اگر مبارزه کردید، اگر ایســـتادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دســـت ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقب‌گرد کردید، نه. پس، حضور دشمن و حملهٔ دشمن، مایهٔ تعجّب نیست؛ «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إِيماناً وَ تَسْليماً»[٤].

بنابراین، وعدهٔ الهی مســـلّم اســـت؛ یعنی هـــم در صورت مبارزه، در صـــورت صبر و در صورت ایستادگی، پیروزی به دست می‌آید و هم در صورتی که شما صادق باشید، دشمنی‌ها به سمت شما توجّه پیدا می‌کند.[٥]

۱. توبه، آیه ۴۴.
۲. نساء: ۷۶ .
۳. نساء: ۷۶ .
۴. أحزاب: ۲۲ .
۵ . خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۰۴/ ۱۰/ ۱۳۷۷.

در جنگ احزاب [وقتی همه علیه مؤمنان متحد شـــدند،]... در یک چنین شـــرائطی، شرح حال مؤمن این اســـت: «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»؛ ما تعجب نمی‌کنیم؛ خدا و رسولش به ما گفته بودند که اگر پابند به توحید باشید، پابند به ایمان به خدا و رسول باشید، دشمن دارید؛ دشمنها سراغتان می‌آیند. بله، گفته بودند، حالا هم راست درآمد؛ دیدیم بله، آمدند.

«و صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إِيماناً وَ تَسْـليماً»؛ ایمانشان بیشتر شد... مؤمنینِ صادق میگویند: ما تعجبی نمیکنیم؛ خب، باید دشمنی کنند؛ «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ». یک جا هم فرموده: «وَ لَن تَرضَى عَنكَ اليَهود و لا النَّصارَى حتَّى تتَّبِعَ مِلَّتَهم»؛ تا وقتی کمند آن‌ها را به گردن نیندازید، دنباله‌رو آنها نشـــوید، همین آش است و همین کاسه. خودت را قوی کن که کمندش در گردن تو تأثیر نگذارد؛ یک تکان بدهی، کمندش پاره شود. خودت را قوی کن. چرا خودت را ضعیف می‌کنی تا در مقابل او تسلیم شوی، خاکسار شوی، به خاک بیفتی؟ «و ما زادَهُمْ إِلاَّ إِيماناً وَ تَسْليماً». این‌جوری باشید عزیزان من، فرزندان من، جوان‌های طلبه.[۱]

«مِـنَ المُؤمِنـينَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَيهِ فَمِنهُم مَّن قَضى نَحبَهُ وَ مِنهُم مَن يَنتَظِر وَ ما بَدَّلُوا تَبديلاً، لِيَجزِيَ اللهُ الصَّادِقينَ بِصدقِهِم»؛[۲] این صدق، همین است.

«صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَيهِ»؛ یعنی این قراری را که با خدا گذاشـــتند، این وعده و پیمانی را که با خدا بستند، صادقانه پیمان بستند و پای این پیمان ایستادند و سختی‌های زندگی، جلوه‌های شهوت‌انگیز دنیایی، آنها را از این راه منحرف نکرد. «لِيَجزِيَ اللهُ الصَّدِقينَ بِصدقِهِم»؛ خدا به خاطر این راستگویی و ایستادن پای این وعده و پیمان الهی جزا می‌دهد.[۳]

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی۱۳۹۱/۰۷/۱۹

۲ احزاب: ۲۳ و ۲۴ .

۳. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۲۱/ ۰۵/ ۱۳۸۹.

۵. علل پشت کردن به دشمن و تنها گذاشتن ولی خدا

۵-۱. عدم ایمان و شک و تردید

«لایَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجاهِدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ اللّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ.*
إِنَّما يَسْتَأْذِنُكَ الَّذينَ لايُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ارْتابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ في رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُون».[۱]

۵-۲. غرور

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ في مَواطِنَ كَثيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمارَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ».[۲]

۵-۳. لغزش، گناه و هواپرستی

«إِنَّ الَّذينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطانُ بِبَعْضِ ما كَسَبُوا».[۳]

۱. توبه، آیه ۴۴ و ۴۵
۲. توبه، آیه ۲۵
۳. آل عمران، آیهٔ ۱۵۵

[قرآن] می‌فرماید: «إِنَّ الَّذينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطانُ بِبَعْضِ ما كَسَبُوا».[1] اینی که می‌بینید یک عده‌ای در مقابل دشمن منهزم می‌شوند، طاقت نمی‌آورند، نمی‌توانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلًا از این‌ها سرزده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده‌اند.

لغزش‌ها انسان را فاسد می‌کند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی می‌شود.[2]

۵-٤. تاثیرپذیری از دوستان

«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذينَ كَفَرُوا وَ قالُوا لِإِخْوانِهِمْ إِذا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كانُوا غُزًّى لَوْ كانُوا عِنْدَنا ما ماتُوا وَ ما قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».[3]

۵-۵. دنیاطلبی و راحت طلبی

«سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلى مَغانِمَ لِتَأْخُذُوها ذَرُونا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونا كَذلِكُمْ قالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنا بَلْ كانُوا لا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلاً».[4]

۱. آل عمران: ۱۵۵
۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۰/ ۰۶/ ۱۳۸۸.
۳. آل عمران، ۱۵۶.
۴. فتح، آیه ۱۵

۵-۶. دلبستگی به زن و بچه و...

«قُلْ إِنْ كانَ آباؤُكُمْ وَ أَبْناؤُكُمْ وَإِخْوانُكُمْ وَ أَزْواجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسادَها وَ مَساكِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّى يَأْتِيَ اللّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقِينَ».[۱]

۵-۷. ترس

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ فَلَمّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتالُ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النّاسَ كَخَشْيَةِ اللّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قالُوا رَبَّنا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتالَ لَوْ لا أَخَّرْتَنا إِلى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتاعُ الدُّنْيا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقى وَ لاتُظْلَمُونَ فَتِيلاً».[۲]

«أَلا تُقاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».[۳]

۵-۸. دل‌مردگی

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَ هُمْ أَغْنِياءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوالِفِ وَ طَبَعَ اللّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا يَعْلَمُونَ».[۴]

۱. توبه، آیه ۲۴
۲. نساء، آیه ۷۷
۳. توبه، آیه ۱۳
۴. توبه، ۹۳

۶. سنت الهی در نصرت و پیروزی جبهه حق

بار خدا بر زمین نمی‌ماند، پیش خواهد رفت؛ یک حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است. «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ[۱]».

با تعبیرات مختلف در جاهای مختلف قرآن آمده: «وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْديلاً[۲]». این سنت الهی است. «وَ لَوْ قاتَلَكُمُ الَّذينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبارَ ثُمَّ لا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَ لا نَصيراً. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ».[۳]

این، یک جایش است. «وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْديلاً[۴]»؛ یعنی اگر شما بیایید توی میدان، بر دشمنتان پیروز خواهید شد؛ یعنی این سنت الهی است؛ حالا این پیروزی ممکن است یک روزه و یک‌ساله نباشد، اما در نهایت پیروزی است.

این پیروزی قطعاً حاصل خواهد شد. شکست و انهزام در جبههٔ حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی‌که اهل حق توی میدان نیایند؛ کار لازم را نکنند.[۵]

۱. فتح: ۲۳ .
۲. احزاب: ۶۲ .
۳. فتح: ۲۲ و ۲۳.
۴. فتح: ۲۲ و۲۳ .
۵. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۸/ ۰۶/ ۱۳۸۸ .

۷. صدق و ایستادگی پای عهد و پیمان، شرط نصرت الهی



در نهج البلاغه هست که: «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا»؛ وقتی خدا صداقت ما را دید؛ دید ما راست می‌گوییم و به دنبال دنیا و پول و هوی و هوس نیستیم، «أَنْزَلَ بِعَدُوِّنَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ[۱]»؛ ما را پیروز کرد و دشمنان ما را سرکوب نمود. این، در مبارزات ما هم بود و در این بیست‌وسه چهار سال هم همین موضوع بوده است و هیچ‌وقت نبوده که روی کشور و دولت فشار نباشد.[۲]



آن وقتی‌که حق با باطل درگیر و روبه‌رو شود، اگر اصحاب حق راست بگویند پای حق بایستند، قطعاً باطل شکســـت خواهد خورد. تجربه هم کرده‌ایم همین‌جور است. ما در طول این سی‌سال تجربه کرده‌ایم: ایستادیم، پیش رفتیم. هرجا که می‌بینید یک عقب‌نشینی‌ای انجام گرفته است، یک ناکامی‌ای پیش آمده است، به خاطر این است که در استقامت ما سستی پیدا شده بود. هرجا استقامت کردیم، پیش رفتیم. بعد از این هم همین‌جور خواهد بود.[۳]

۱. نهج البلاغة (للصبحي صالح)،نامه ۵۶ ، ص: ۹۲.
۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۰۷/ ۰۳/ ۱۳۸۲.
۳. دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن، ۰۶/ ۱۱/ ۱۳۸۸.

سنت الهی هم این است که اگر حرکت نبوی، حرکت الهی که مصداقش انقلاب اسلامی است، به کار خود ادامه بدهد و دنبال‌گیری کند، بر همهٔ این موانع فائق خواهد آمد؛ این هم سنت الهی است. در سورهٔ مبارکهٔ فتح آمده است: «وَ لَوْ قاتَلَكُمُ الَّذينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبارَ ثُمَّ لايَجِدُونَ وَلِيًّا وَ لانَصيراً. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْديلاً[1]»؛ اگر بایستید، اگر استقامت کنید، اگر هدف را گم نکنید، اگر تلاش را متوقف نکنید، بدون تردید غلبه در این عرصه با شماست.[2]

۱. فتح: ۲۳ .
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/ ۰۲/ ۱۳۸۷.

۸. پاداش صادقین عهد الهی

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنينَ إِذْ يُبايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَة».[۱]

نبیّ اکرمﷺ چندین‌بار به مناسبت‌هایی از مردم بیعت گرفت. یکی از این بیعت‌ها که شاید از همه سختتر بود، «بیعت الشّجره» یا بیعت رضوان در ماجرای حدیبیّه است. وقتی کار سخت شد، پیغمبر اکرم آن هزار و چندصد نفری را که دور و برش بودند، جمع کرد و فرمود: «از شما بر مرگ بیعت می‌گیرم. نباید فرار کنید.
باید آن‌قدر بجنگید تا پیروز و یا کشته شوید!» گمان می‌کنم آن حضرت جز همین یک‌بار، در هیچ جای دیگر چنین بیعتی از مسلمانان نگرفته است. باری؛ در میان آن جمعیت، همه‌رقم آدمی حضور داشت.
آدم‌های سست‌ایمان و- آن‌طور که نقل می‌کنند- آدم‌های منافق در همین بیعت بودند. اوّلین کسی که بلند شد و گفت: «یا رسول اللّه! بیعت می‌کنم» همین جوان نورس بود. جوانی بیست و چندساله دستش را دراز کرد و گفت: «با تو بر مرگ بیعت می‌کنم.» بعد، دیگر مسلمانان تشجیع شدند و یکی پس از دیگری با پیغمبر بیعت کردند.

۱. فتح، آیهٔ ۱۸.

آن‌هایی هم که دلشان نمی‌خواست، ناگزیر از بیعت شدند. «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونك تحت الشّجرة فعلم ما في قلوبهم». شجاعت امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) این‌گونه بود.[۱]

«وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللَّهَ فَسَیُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً»[۲] اما اگر وفا کردیم به این قراردادی که با خدا و پیغمبر گذاشتیم، به نفع خودمان کار کردیم؛ پاداش عظیمی خود ما از خدای متعال خواهیم گرفت. این پاداش، نگفتند که در آخرت اســـت، نگفتند بهشت است؛ بخش عمده‌اش هم البته در آخرت است، اما این پاداش در دنیا هم هست؛ در دنیا هم این پاداش را به ما خواهند داد. [۳]

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۷۴.
۲. سوره فتح، آیه ۱۰.
۳. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۲۱/ ۰۵/ ۱۳۸۹.

۹. جزای کاذبین و عهد شکنان

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا لَقیتُمُ الَّذینَ کَفَرُوا زَحْفاً فَلاتُوَلُّوهُمُ الْأَدْبار* وَ مَنْ یُوَلِّهِمْ یَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَیِّزاً إِلی فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّم وَ بِئْسَ الْمَصیرُ».[۱]

«فَلَمَّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتالُ تَوَلَّوْا إِلاَّ قَلیلاً مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلیمٌ بِالظَّالِمینَ».[۲]

«أَلَمْ تَرَ إِلَی الْمَلَإِ مِنْ بَنی إِسْرائیلَ مِنْ بَعْدِ مُوسی إِذْ قالُوا لِنَبِیٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنا مَلِکاً نُقاتِلْ فی سَبیلِ اللّهِ قالَ هَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتالُ أَلّا تُقاتِلُوا قالُوا وَ ما لَنا أَلّا نُقاتِلَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنا مِنْ دِیارِنا وَ أَبْنائِنا فَلَمّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتالُ تَوَلَّوْا إِلّا قَلیلًا مِنْهُمْ وَ اللّهُ عَلیمٌ بِالظّالِمینَ».[۳]

آیات کریمهٔ قرآن... درس‌های زندگی ماست. فرض بفرمایید در این آیهٔ شریفه: «إِنَّ الَّذینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ

۱. انفال، آیات ۱۵ و ۱۶
۲. بقره، آیهٔ ۲۴۶
۳. بقره، آیه ۲۴۶

عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتيهِ أَجْراً عَظيماً».[1]

خب این درس اســـت دیگر؛ این درس واضحی است برای زندگی ما. «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّما يَنْكُثُ عَلى نَفْسِهِ»؛ اگر قراردادی را که با پیغمبر گذاشتید، با اسلام گذاشتید، بیعتی را که با خدا کردید، به هم زدید، نقض عهد کردید، علیه خودتان کار کردید.

«فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّما يَنْكُثُ عَلى نَفْسِهِ»؛ شکستن بیعت خدا و پیغمبر، علیه ماست؛ علیه خدا و پیغمبر نیست. آن‌ها ضرری نمی‌کنند.[2]

۱. فتح: ۱۰.

۲. بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان، ۲۱/ ۰۵/ ۱۳۸۹.

بررسی موضوع «صداقت در عهد الهی و پشت نکردن به دشمن» در زمان حضرت زهرا(س):

۱. پشت کردن به دشمن در اواخر حیات پیامبر(ص)

زمانی که گروهی از امت پیامبر(ص) جیش اسامه را در نبرد موته - و علی‌رغم تأکیدات مکرر حضرت مبنی بر همراهی این لشکر- رها کرده و آخرین خواستهٔ ولی خویش را زیر پا نهادند؛ زنگ خطر جدی برای انحراف در حرکت جامعه به صدا در آمد، آنجا که حضرت امیر(ع) فرمودند:

كَانَ آخِرُ مَا تَكَلَّمَ بِهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِهِ أَنْ يَمْضِيَ جَيْشُ أُسَامَةَ وَ لَا يَتَخَلَّفَ عَنْهُ أَحَدٌ مِمَّنِ أَنْهَضَ مَعَهُ وَ تَقَدَّمَ فِي ذَلِكَ أَشَدَّ التَّقَدُّمِ وَ أَوْعَزَ فِيهِ أَبْلَغَ الْإِيعَازِ وَ أَكَّدَ فِيهِ التَّأْكِيدَ فَلَمْ أَشْعُرْ بَعْدَ أَنْ قُبِضَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَّا بِرِجَالٍ مِمَّنْ بُعِثَ مَعَ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ وَ أَهْلِ عَسْكَرِهِ قَدْ تَرَكُوا مَرَاكِزَهُمْ وَ أَخَلُّوا بِمَوَاضِعِهِمْ وَ خَالَفُوا أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ فِيمَا أَنْهَضَهُمْ لَهُ وَ أَمَرَهُمْ بِهِ وَ تُقَيِّدُهُمْ مِنْ مُلَازَمَةِ أَمِيرِهِمْ وَ الْمَسِيرِ مَعَهُ تَحْتَ لِوَائِهِ حَتَّى يُنْفِذَ الْوَجْهَ الَّذِي أَنْفَذَهُ إِلَيْهِ فَخَلَّفُوا أَمِيرَهُمْ مُقِيماً فِي عَسْكَرِهِ وَ أَقْبَلُوا يَتَبَادَرُونَ عَلَى الْخَيْلِ رَكْضاً إِلَى حَلِّ عُقْدَةٍ عَقَدَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي أَعْنَاقِهِمْ فَحَلُّوهَا وَ نَكَثُوهَا.[1]

آخرین کلام پیامبر(ص) هم حرکت لشکر اسامه بود که کسی از آن تخلّف نکند و با تأکید هرچه

۱. الخصال، ج۲، ص ۳۷۱.

تمامتر، به گسیل آن فرمان داد. پس از رحلت پیامبرﷺ نخستین چیزی که احساس نمودم، افراد لشکر او بود که مأموریت خویش را رها کرده و دستور پیامبرﷺ را زیر پا گذاشتند، و به بهانه حل مشکلی که خداوند آن را به عهده گرفته و تکلیف را بر گردنشان گذاشته، پیمان را نقض کردند و به شهر بازگشتند.

۲. رها کردن امام و تنها گذاشتن او در میدان مجاهدت؛ نتیجه بی‌اعتنایی به فرمان پیامبر ﷺ

بی‌اعتنایی به فرمان پیامبر و پشـــت کردن به دشـــمن منجربه تنها ماندن امام در صحنه مبارزه می‌گردد. آنجایی که حضرت امیر ؑ بعد از شهادت پیامبر ﷺ از اصحاب خویش گلایه نموده و از کوتاهی ایشان در قبال ولی خویش به درگاه خداوند شکایت می‌کند:

سَيَسْـأَلُكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ أَئِمَّتِكُمْ مَعَهُمْ تُحْشَرُونَ وَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ غَداً تَصِيرُونَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ كَانَ لِي عِدَّةُ أَصْحَابِ طَالُوتَ أَوْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَعْدَاؤُكُمْ لَضَرَبْتُكُمْ بِالسَّـيْفِ حَتَّى تَئُولُوا إِلَى الْحَقِّ وَ تُنِيبُوا لِلصِّدْقِ فَكَانَ أَرْتَقَ لِلْفَتْقِ وَ آخَذَ بِالرِّفْقِ اللَّهُمَّ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.[۱]

به‌زودی خدای عزوجل از شـــما در باره امامانتان پرســـش کند، با آن‌ها محشور گردید، و فردای محشر به‌سوی خدای عزوجل بازگشت خواهید کرد، هان! که (به‌خدا سوگند) اگر به‌اندازه اصحاب طالوت یا به شماره اهل بدر یاور داشتم که آنها هم‌تراز و مانند شما بودند هرآینه شما را با شمشیر می‌زدم تا به‌سوی حق باز گردید و با خواست قلبی به سمت صدق گرایش پیدا کنید، و این کار برای بستن شکاف (که در دین نمودار شده) بهتر و با رفق و نرمش موافق‌تر بود. خدایا تو میان ما به‌حق حکم فرما که بهترین داوران هستی.

۱. (خطبه طالوتیه- خطبه حضرت امیر در مدینه پس از ایام شهادت پیامبر ﷺ کافی، ج۸، ص ۳۲.

۳. پشت کردن امت به دشمن و تنها ماندن امام؛ بستر و زمینهٔ جسارت به دخت نبی ﷺ

أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ خَلَوْتُمْ بِالدَّعَةِ وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ وَ دَسَعْتُمُ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ... فَدُونَكُمُوهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبِرَةَ الظَّهْرِ نَقِبَةَ الْخُفِّ بَاقِيَةَ الْعَارِ مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ وَ شَنَارِ الْأَبَدِ مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ فَاعْمَلُوا إِنَّا عامِلُونَ وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُون.[۱]

آری می‌بینم که شـــما میل به رفاه و آسایش دنیا نموده و دست از آنکه شایسته تولیت و امامت است برداشته‌اید، و خود را از مسئولیّت تکالیف و حدود و وظائف دینی رها نموده و آزاد ساختید، و هر آنچه دیده و شنیده و می‌دانستید را دور انداختید، حال اینکه اگر شما و اهل زمین کافر شوند، به‌راستی‌که خداوند بی‌نیاز و ستوده است... اکنون بگیرید و ببرید این شتری که به ناحقّ غصب نمودید و این دابّه خلافت و فدک را مأخوذ دارید؛ او را رام و منقاد خود شـــمارید و به آســـودگی سوار شوید، امّا بدانید که پای این دابّه مجروح و پشت او زخم دارد، حمل آن عار؛ و ننگ آن باقی و برقرار و به وسم و نشان خداوند تعالی داغ‌دار و موسوم بودنش به ننگ همیشگی آشکار و پیوسته و متّصل به آتش غضب خداوندگار و کشـــاننده اســـت راکب خود را به سوی آتشی که شکافنده

۱. خطبهٔ فدکیه حضرت صدیقه طاهره فاطمه؛ (الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج۱، ص: ۹۷)

قلب فاجران و کفّار نابکار است. همانا خداوند نگران است بدان‌چه می‌کنید و می‌داند ظالمان به کجا می‌روند و جای می‌گیرند. من دخت پیغمبر شمایم که برایتان بشیر و نذیر بود، و شما را به عذاب شـــدید بیم می‌داد، پس آنچه که می‌توانید انجام دهید، ما نیز انتقام خواهیم کشید، حال شما منتظر آن روز باشید، ما نیز منتظر آن روز هستیم.

۴. عوامل پشت کردن به دشمن توسط امت نبی ﷺ

٤-١. گناه و هواپرستی

أَيُّهَا الْأُمَّةُ الَّتِي خُدِعَتْ فَانْخَدَعَتْ وَ عَرَفَتْ خَدِيعَةَ مَنْ خَدَعَهَا فَأَصَرَّتْ عَلَى مَا عَرَفَتْ وَ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهَا وَ ضَرَبَتْ فِي عَشْوَاءِ غَوَايَتِهَا وَ قَدِ اسْتَبَانَ لَهَا الْحَقُّ فَصَدَّتْ عَنْهُ وَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ فَتَنَكَّبَتْهُ.[1]

ای امتی که فریبش دادند و فریب خورد، و فریب آن کس که فریبش داده بود شناخت؛ ولی باز هم روی همان فریب‌خوردگی پافشـــاری کرده ایستاد، و از هواهای نفسانی پیروی کرد، و در راه تاریک گمراهی خود گام برداشت، و با اینکه حقیقت بر او آشکار شده بود از پیروی آن سرپیچی کرد، و از پیمودن راه روشن خودداری نمود.

٤-٢. دنیاطلبی و راحت‌طلبی

وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَ تَنْكِصُونَ عِنْدَ النِّزَالِ وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.[2]

(هنگامی که حضرت امیر با دشـــمنان پیغمبر می‌جنگید) شـــما در آن روزگار در کمال رفاه و آســـایش بســـر برده و در کمال امنیّت در باغ‌های خود لمیده، و پیوسته در انتظار آن بودید که

۱. کافي، ج۸، ص: ۳۲ (خطبه طالوتیه خطبه حضرت امیر در مدینه پس از ایام شهادت پیامبر ﷺ).
۲. خطبهٔ فدکیه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا ﷺ (الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج۱، ص: ۹۷).

حوادث بد و جریانهای ناملایم شـــامل حال ما خانواده گردد، آری شما هنگام یورش دشمن فرار کرده و از جنگ گریزان بودید.

٤-٣. ترس از غیر خدا

بُؤْساً لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ «وَ هَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ[١]».[٢]

وای بر شما که مانند آن گروهی هستید که عهد خود را شکستند، و آهنگ بیرون کردن پیامبر را نمودند، و آنان بودند که نخستین بار [دشمنی و پیکار با شما را] آغاز کردند؟ آیا از آنان می‌ترسید؟ و خدا سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمنید.

إِيهاً بَنِی قَيْلَةَ أَأُهْضَمَ تُرَاثُ أَبِی وَ أَنْتُمْ بِمَرْأًى مِنِّی وَ مَسْـمَعٍ وَ مُنْتَدًى وَ مَجْمَعٍ تَلْبَسُـكُمُ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمُ الْخِبْرَةُ وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ وَ عِنْدَكُمُ السِّلَاحُ وَ الْجُنَّةُ تُوَافِيكُمُ الدَّعْوَةُ فَـلَا تُجِيبُونَ وَ تَأْتِيكُمُ الصَّرْخَةُ فَلَا تُغِيثُونَ وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكِفَاحِ مَعْرُوفُـونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ وَ النُّخْبَـةُ الَّتِی انْتُخِبَتْ وَ الْخِيَرَةُ الَّتِی اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتَمِرُونَ حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ وَ خَضَعَتْ ثَغْرَةُ الشِّرْكِ وَ سَكَنَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرْجِ وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ فَأَنَّى حُزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ «بُؤْساً لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ هَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»[٣].

ای گروه انصار، شما حاضر و ناظر باشید و میراث پدر من مورد دستبرد دیگران واقع گردد؟! شما

۱. توبه، آیة ۱۳.

۲. خطبهٔ فدکیه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهراﷺ الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، ج۱، ص: ۱۰۳.

۳. خطبهٔ فدکیه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهراﷺ الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، ج۱، ص: ۹۷.

مشـــمول دعوت من گشـــته و در معرض امتحان و آزمایشید، حال اینکه شما برخوردار از سلاح و تجهیزات جنگی بوده و معروف به اهل خیر و صلاح و نیکوکاری هســـتید؛ چه شده که اکنون دعوت مرا شنیده و یاری‌ام نمی‌کنید؟! و ناله‌ام را می‌شنوید و به فریادم نمی‌رسید؟! با اینکه شما در گذشـــته به تلاش و شجاعت و نبرد و تحمّل سختیها و اســـتقامت شناخته شده و آن گروه منتخب مخصوص ما اهل‌بیت بودید؟!

شـــما با اعراب جاهلی به جنگ پرداخته و در این راه هر ســـختی و مشـــقّت را به جان خریدید، و با طوائف مختلف مبارزه کردید و با دلیرانشـــان به جدال پرداختید، و پیوسته گوش به فرمان ما اهل‌بیت بودید، و مشـــتاقانه اوامر ما را اجرا می‌کردید، تا اینکه عاقبت نظم جامع اسلام برقرار گردید، و خیرات روزگار تراوش نمود، و مشـــرکان سر تسلیم فرود آوردند، و تظاهر دروغ و باطل آرام شد، و شعله‌های کفر خاموش گشت، و هرج و مرج خاتمه یافت، و نظام دین محکم شد، چرا پس از روشنی حقیقت حیران شدید؟

و پـــس از اظهار آن پنهان می‌دارید؟ و بعد از پیش‌روی عقب‌نشـــینی کردید؟ و پس از ایمان به شرک افتادید؟

وای بر شما که مانند آن گروهی هستید که عهد خود را شکستند، و آهنگ بیرون کردن پیامبر را نمودند، و آنان بودند که نخستین بار [دشمنی و پیکار با شما را] آغاز کردند؟ آیا از آنان می‌ترسید؟ و خدا سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمنید.

٤-٤. دل مردگی

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ﴿ع﴾ إِلَى النَّاسِ وَ قَالَتْ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ «أَفَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها؟» كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ وَ لَبِئْسَ مَا تَأَوَّلْتُمْ وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشَرْتُمْ وَ شَرُّ مَا مِنْهُ اغْتَصَبْتُمْ لَتَجِدُنَّ وَاللَّهِ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا وَ غِبَّهُ وَبِيلًا إِذَا كُشِفَ لَكُمُ الْغِطَاءُ وَ بَانَ بإورائه [بِإِدْرَائِهِ] الضَّرَّاءُ وَ بَدَا لَكُمْ

مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ «وَ خَسِرَ هُنالِكَ الْمُبْطِلُونَ»[1].

حضرت زهرا﵄ رو به جانب مردم نموده و فرمود: ای جماعت مسلمین که عجولانه مبادرت به انتخاب امری باطل و ناصواب نمودید، آیا پیرامون آیات قرآن هیچ تدبّر و تأمّل نمی‌کنید، یا اینکه دل‌های شما در حجاب و پوشیده شده، نه این‌طور نیست بلکه بدی کردار و اعمالتان بر دل‌های شما غالب گردید و توان شنیدن و دیدن را از گوش و چشم شما گرفت، و چه بد تأویل نمودید و چه راه زشتی را پیش گرفتید و بدتر از همه آن وجهی است که به سبب آن حقّ دیگران را غصب کردید، سوگند به خداوند که چون پرده از برابر دیدگان شما برداشته شود منظره بسیار هولناکی را خواهید دید، و آنچه از سوی پروردگارتان آشکار می شود که گمان آن را نمی بردید «و آنجاست که باطل‌کاران زیان می‌کنند».

۱. خطبهٔ فدکیه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا﵄ (الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، ج۱، ص: ۹۷).

۵. جزای عهد شکنان امت نبی ﷺ

در آخر کار حضرت زهرا ؑ امت عهدشـــکن زمان خویش را که پشت به دشمن نموده و پیامبر و امام خویش را در میدان مبارزه تنها گذاشتند این‌گونه تنبیه نموده و در وصیت خویش فرمودند:

«لَا يُصَلِّى عَلَىَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ بَعْلِى».[۱]

۱. بحار الأنوار، ج۳۰، ص: ۳۴۸؛ امتی که عهد خویش را باخدا و پدرم رسول خدا ﷺ و شوهرم امیرالمؤمنین ؑ نقض کردند برپیکرم نماز نخوانند.


فصل بیعت
فاطمیه فصل بیعت
با علی است

در مقـــابل دشـــمن باید ایستـــاد...
در عرصهٔ هـــرگونه جهـــاد و کـــارزاری،
پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن،
از نظر اســـلام و قـــرآن ممنوع اســـت.

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۲۹/۰۸/۱۳۹۲

۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱
۴۲ ۱۵ ۰۰۰
www.۱۵۴۲.ir